

تجربه زیسته زنان از پدیده ازدواج زودهنگام: یک بررسی کیفی

Women's Lived Experience of the Phenomenon of Early Marriage: A Qualitative Study

<https://dx.doi.org/10.52547/JFR.19.2.197>

A. A. Majdi, Ph.D.

Department of Sociology, Ferdowsi University of Mashhad

M. Kermani, Ph.D.

Department of Sociology, Ferdowsi University of Mashhad

Z. Baradaran-kashani, Ph.D. Student

Department of sociology, Ferdowsi University of Mashhad

F. khedmati-Boqmech, B.A.

Department of sociology, Ferdowsi University of Mashhad

✉ **علی اکبر مجدی**

گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد

مهدی کرمانی

گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد

زهرا برادران کاشانی

گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

فاطمه خدمتی بقمچ

گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

دریافت نسخه اصلاح شده: ۱۴۰۲/۳/۲۵

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۴/۱۱

Abstract

Child marriage creates severe challenges for girls without the necessary physical, mental, and social preparation and strength from childhood to adulthood. The important issue in this regard is the complex and multi-level effect of this phenomenon on various aspects of the social actors' lives, which makes the investigation of this phenomenon dependent on the in-depth analysis of women's lived experience of early marriage in the social and cultural context.

چکیده

کودک‌همسری با وارد کردن دختران بدون آمادگی و توان جسمی، روانی و اجتماعی لازم، از کودکی به مرحله بزرگسالی، چالش‌هایی جدی برای آن‌ها به وجود می‌آورد. مسئله کلیدی در این ارتباط تأثیرگذاری پیچیده و چندسطحی این پدیده بر شئون مختلف زندگی عاملان اجتماعی مورد نظر است که بررسی این پدیده را منوط به واکاوی ژرفانگرانه تجربه زیسته زنان از ازدواج زودهنگام در بستر اجتماعی و فرهنگی پیرامونشان می‌کند.

✉ Corresponding author: Mashhad, Azadi Square, Faculty of Literature and Humanities, Department of Social Sciences
Email: majdi@um.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: مشهد، میدان آزادی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.
پست الکترونیکی: majdi@um.ac.ir

This research, with a qualitative approach based on grounded theory, has investigated the mentioned issue among girls aged 13 to 17 in Boqhmech village, in the central part of Chenaran City, who had the experience of early marriage, in total 10 of these girls were interviewed. Based on the results, factors such as "intergenerational custom of an early marriage", "irrelevance of girls' education", "social pressure on unmarried girls", "closed and introspective cultural environment of rural society", "centeredness of patriarchy in the social system of rural society and lack of acceptance for love before marriage" will be effective on the phenomenon of "child marriage: the combination of childish passivity and traditional authority". The participants in the research employed strategies such as "carelessness in choosing a spouse", "prejudicial in entering into married life", "hasty in teaching the principles of marriage" and "choosing a spouse in the kinship network", and accepted consequences such as "to The risk of falling physical health", "psychological pressure caused by not being ready to accept the role of wife and mother", "the continuation of social traditions supporting early marriage", "the experience of alienation from oneself in the role of the wife" and finally "social isolation."

Keywords: Early marriage, women, passivity, childhood, child's marriage.

در تحقیق حاضر با رویکرد کیفی، مبتنی بر نظریه زمینه‌ای، به بررسی مسئله مذکور در میان دختران ۱۳ تا ۱۷ سال، در روستای بقمچ، از توابع بخش مرکزی شهرستان چناران که تجربه ازدواج زودهنگام داشته‌اند، پرداخته شده و در مجموع با ۱۰ نفر از این دختران مصاحبه شده است. بر مبنای نتایج تحقیق، عواملی همچون «رواج بین نسلی ازدواج زودهنگام»، «بی‌اهمیتی تحصیل دختران»، «فشار اجتماعی بر دختران مجرد»، «محیط فرهنگی بسته و درون‌نگر جامعه روستایی»، «محوریت مردسالاری در نظام اجتماعی جامعه روستایی» و «عدم‌پذیرش عشق پیش از ازدواج» بر رخداد «کودک‌همسری: تلفیق انفعال کودکانه و اقتدار سنت‌مدارانه» مؤثر است. مشارکت‌کنندگان در تحقیق، در مقابل پدیده کودک‌همسری، راهبردهایی مانند «سهل‌گیری در گزینش همسر»، «تقدیرگرایی در تن‌دادن به زندگی زناشویی»، «تعجیل در یاددهی اصول زناشویی» و «همسرگزینی در شبکه خویشاوندی» را در پیش می‌گرفتند و پیامدهایی از قبیل «به‌خطرافتادن سلامتی جسمانی»، «فشار روانی ناشی از عدم‌آمدگی پذیرش نقش همسری و مادری»، «تداوم سنت‌های اجتماعی پشتیبان ازدواج زودهنگام»، «تجربه بیگانگی از خود در نقش همسری» و نهایتاً «انزوای اجتماعی» را می‌پذیرفتند.

کلیدواژه‌ها: ازدواج زودهنگام، زنان، انفعال، کودکی، کودک‌همسری.

مقدمه

خانواده در تعاریف جامعه‌شناسان با تجربه ازدواج آغاز می‌شود. همین پیوستگی است که سرانجام‌های مختلفی وابسته به کیفیت پیوند ازدواج برای نهاد خانواده فراهم می‌آورد (ساروخانی^۱، ۱۳۷۰؛ اوزارکه و بیکر^۲،

۲۰۱۳). ازدواج زودهنگام یکی از صورت‌های بحث‌برانگیز پیوند زناشویی است که می‌تواند تأثیر منفی بر نهاد خانواده بگذارد. طبق تعریف صندوق جمعیت ملل متحد^۳ (۲۰۰۶: ۶)، ازدواج زودهنگام، قرارداد پیوند زناشویی در سنین کودکی (زیر هجده سال) است، به صورتی که فرد از نظر جسمی، فیزیولوژیکی و روانی برای ازدواج و فرزندآوری آماده نباشد.

کودک‌همسری، به صورت رسمی و غیررسمی، هم برای پسران و هم برای دختران رخ می‌دهد؛ اما میزان بیشتری دختران را متأثر می‌سازد. بر اساس آمار یونیسف^۴ (۲۰۲۰)، در غرب و مرکز صحرای آفریقا تقریباً ۳۵ درصد از زنان قبل از هجده‌سالگی ازدواج کرده‌اند. در آسیای جنوبی نیز قریب به ۳۰ درصد از زنان، قبل از رسیدن به هجده‌سالگی متأهل شده‌اند. در این میان، کمترین آمار مربوط به اروپای شرقی و آسیای میانه است که آمار کودک‌همسری در آنان حدود ۱۲ درصد است. در سطح جهانی نیز کمترین میزان مربوط به سوئیس، فنلاند، فرانسه و کانادا بوده است (اوزارکه و بیکر، ۲۰۱۳؛ سوانمیر، چاندرامولی، کریستینسن و مبیرو^۵، ۲۰۱۲؛ کلانقان، گامبو و فلین^۶، ۲۰۱۵).

بر اساس آمار اخیر ازدواج‌های رسمی ثبت‌شده در مرکز آمار ایران، در بهار ۱۴۰۰، تعداد ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله، با حدود ۳۲ درصد رشد در قیاس با آمار مشابه خود در سال ۱۳۹۹، به ۹۷۵۳ ازدواج رسیده است؛ مطابق با همین آمار، تعداد ۴۵ هزار و ۵۲۲ دختر ۱۵ تا ۱۹ ساله نیز در بهار سال ۱۴۰۰ ازدواج کرده‌اند (چنایی، رضایی‌فرد، جلالی و جهانگیری^۷، ۱۴۰۱). بر اساس گزارش یونیسف (۲۰۲۰) نیز حدود ۱۷ درصد از ازدواج‌های انجام‌شده در ایران، مربوط به ازدواج دختران زیر ۱۸ سال بوده است. ۵ درصد این آمار مربوط به ازدواج‌های زیر ۱۵ سال و ۱۲ درصد مربوط به ازدواج‌های ۱۵ تا ۱۸ سال می‌باشد. همچنین بر اساس آمار، در مناطق روستایی ایران، کودک‌همسری در سنین ۱۵ تا ۱۹ سال، از ۸۷/۲۰ به ۲۷/۳۲ درصد رسیده و روند رو به افزایشی داشته است (عظیمی^۸، ۲۰۲۰).

ازدواج زودهنگام از آنجایی که در سنین مناسبی صورت نمی‌گیرد، باعث آسیب‌های فردی، جسمی و اجتماعی می‌شود؛ بیماری‌های جسمی و روانی، نارضایتی از زندگی زناشویی، کیفیت پایین زندگی، نبود روحیه مشارکت در خانواده، طلاق عاطفی و خشونت‌های فیزیکی - ذهنی از نتایج ازدواج زودهنگام می‌باشد (ایمان، گلی و زارع^۹، ۱۳۹۴؛ کوهی^{۱۰}، ۱۳۹۸؛ صفوی و مینایی^{۱۱}، ۱۳۹۴؛ لطفی^{۱۲}، ۱۳۸۹؛ افتخارزاده^{۱۳}، ۱۳۹۴؛ گلی، رموحان و سینگ^{۱۴}، ۲۰۱۵). از این رو، برای کاهش هرچه بیشتر این آسیب‌ها، سازمان‌های بهداشت جهانی و یونیسف تا سال ۲۰۳۰ برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری کرده است (یونیسف، ۲۰۲۰).

خشونت خانگی، سوءاستفاده‌های جنسی، بیماری‌های جنسی، زایمان‌های زودهنگام از جمله آسیب‌ها و مسائلی است که عموماً دخترانی که در فرایند ازدواج زودهنگام قرار می‌گیرند، با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند (بهانجی و پونجانی^{۱۵}، ۲۰۱۴). به علاوه، دختران در این‌گونه ازدواج‌ها، فرصت تحصیل، اشتغال و حضور در اجتماع و محیط‌های مختلف را از دست می‌دهند (ناوید و بات^{۱۶}، ۲۰۱۵). در واقع، ازدواج‌های زودهنگام عموماً فرصت آگاهی دختران از معنای ازدواج را می‌گیرد و به‌جای این آگاهی، فضای خانوادگی آنان را مجبور به پذیرش می‌کند که بخش زیادی از این پذیرش نیز به‌سبب احترام به بزرگان، مذهب و به خصوص پدر در خانواده است (بهانجی و پونجانی، ۲۰۱۴).

در بسیاری از جوامع درگیر با این مسئله، ازدواج زودهنگام قاعده‌ای برای اطمینان خانواده‌ها از منافع اجتماعی، اقتصادی و گاه سیاسی است (مولر^{۱۷}، ۲۰۱۶). به همین دلیل، ازدواج کودکان از نسلی به نسل دیگر به‌عنوان یک میراث ماندگار منتقل می‌شود (مهتا^{۱۸}، ۲۰۱۷). گاهی والدین با اقدام به ازدواج زودهنگام دخترانشان، می‌خواهند از آنان محافظت کنند و فرصت‌های اقتصادی خود را افزایش دهند. اما با این کار آنان را با مشکلات بهداشتی، خشونت و محرومیت از شبکه‌های اجتماعی روبه‌رو می‌کنند و چرخه فقر و نابرابری جنسیتی را از طریق بازتولید خشونت خانگی، بی‌سوادی، فقر، سوءاستفاده و استثمار دختران تداوم می‌بخشند (ناوید و بات، ۲۰۱۵؛ سوانمیر، چاندرامولی، کریستینسن و مبیرو، ۲۰۱۲).

در ازدواج کودکان، به آنان فرصتی برای فکرکردن و تصمیم‌گیری داده نمی‌شود و کودکان نیز ازدواج را به‌عنوان سرنوشت تحمیلی برای خود می‌پذیرند (افتخارزاده، ۱۳۹۴؛ ایمان، گلی و زارع، ۱۳۹۴). در برخی فرهنگ‌های بومی - محلی، بزرگان خانواده که از احترام زیادی برخوردار هستند، از ازدواج کودکان به‌ویژه دختران حمایت می‌کنند (ابراهیمی و فخرایی^{۱۹}، ۱۳۹۲). ساختار اقتداری پدرسالارانه جامعه، ارزش‌ها و سنت‌ها، فقر اقتصادی، افتخار به باکرگی دختر، حفظ عزت خانواده و حفظ روابط خانوادگی در جوامع کوچک و روستایی، از منظر بهنجاری و پونجانی (۲۰۱۴) و لال^{۲۰} (۲۰۱۵)، موجبات پذیرش پدیده کودک‌همسری را از سوی مردم فراهم می‌آورد و باعث افزایش آن در روستاها و شهرستان‌های کوچک می‌شود.

دخترانی که در سنین زیر ۱۸ سال ازدواج می‌کنند، به‌دلیل سن کم، خجالت و شرم، هیچ نوع تفکر جدی درباره ازدواج و روابط زناشویی ندارند؛ از همین رو، هیچ نوع نقشی در فرایند انتخاب همسر ندارند و ازدواج بیشتر به‌عنوان توافقی بین والدین این فرزندان است (صفوی و مینایی، ۱۳۹۴؛ بهنجاری و پونجانی، ۲۰۱۴). بسیاری از والدین به‌دلیل فقر زیادی که دارند، ازدواج زودهنگام را راهی برای قراردادن دختران در خانواده‌های مورداعتماد می‌دانند و احساس می‌کنند با ایجاد زمینه ازدواج خوب برای دختران کوچکشان، تمام تلاش خود را برای فرزندان کرده‌اند. همچنین همان طور که در مطالعات کلانقن، گامبو و فلین (۲۰۱۵)، مولر (۲۰۱۷)، جنسن و تورنتون^{۲۱} (۲۰۰۳)، حاجیلو، آقاییاری و علیپور آبدار^{۲۲} (۱۴۰۰) و ناوید و بات (۲۰۱۵) بر آن تأکید شده است، این والدین ازدواج زودهنگام را راهی برای بهبود وضعیت اقتصادی خانواده تلقی می‌کنند.

خشونت خانگی، از دست‌دادن فرصت‌های کسب مهارت و یادگیری، بازماندن از ادامه تحصیل، از بین رفتن استقلال شخصی، مشکل در ارضای نیاز عاطفی و اختلال در تنظیم رفتار جنسی، آسیب‌های جسمی و روحی، افزایش تعداد فرزندان، حاملگی و زایمان زودهنگام، مرگ‌ومیر هنگام زایمان، افزایش ابتلا به ای‌چ‌وی و سایر بیماری‌های مقاربتی، افزایش مرگ نوزاد، افزایش خون‌ریزی‌های بعد از زایمان، زایمان‌های طولانی و انزوای اجتماعی، مهم‌ترین پیامدهای حاصل از ازدواج زودهنگام است (نک: پورطالب و موسویان النجق^{۲۳}، ۱۴۰۰؛ افتخارزاده، ۱۳۹۴؛ لطفی، ۱۳۸۹؛ گلی، رموحان و سینگ، ۲۰۱۵؛ سوانمیر، چندرامولی، کریستینسن و مبیرو، ۲۰۱۱؛ جنسن و تورنتون، ۲۰۰۳؛ احمد، خان، عالیا و نوشاد^{۲۴}، ۲۰۱۳؛ گولار و کیوسکار^{۲۵}، ۲۰۱۰؛ فتایی، مطلق و آقاجانی مرسا^{۲۶}، ۱۴۰۱).

بر پایه برخی از نظریات فمینیستی، ستم‌های جنسیتی از جمله کودک‌همسری، عموماً در سایه پدرسالاری به زنان وارد می‌شود. نظریه پردازان در زمینه ستمگری جنسیتی بر این باورند که زنان در قید

تحمیل و سوءاستفاده و بدرفتاری مردان قرار دارند. الگوی مستمری که به عمیق‌ترین شکل با ساختار جامعه درآمخته و یک چیرگی بنیادی را تشکیل داده، پدرسالاری خوانده می‌شود (ریتزر^{۲۷}، ۱۳۷۴). پدرسالاری چیرگی مردان بر زنان و چیرگی مردان مسن‌تر بر جوان‌ترهاست و با خشونت و ایدئولوژی خود را نشان می‌دهد (بارت^{۲۸}، ۱۳۸۰). در واقع، مبتنی بر این نظریات، تفاوت جایگاه و نقش‌های اجتماعی مردان و زنان جزئی از طبیعت آنان است و زنانگی، به تعبیر دوبووار، موقعیتی زیست‌شناختی نیست؛ بلکه جامعه آن را ایجاد می‌کند. به زعم دوبووار دو نقش همسری و مادری است که زن را در قید اسارت نگاه می‌دارد (دوبووار^{۲۹}، ۱۳۸۰). به نظر فمینیست‌ها (مطیع^{۳۰}، ۱۳۷۶)، چون از کودکی به دختران آموزش داده می‌شود که باید در خانه بمانند و مطیع باشند و هرچه می‌خواهند، با کم‌رویی به دست آورند، این شرایط منتهی به انقیاد زنان خواهد شد.

روان‌شناسان به دلیل مباحثی همچون فقدان مهارت‌های اجتماعی، تفاوت شرایط جغرافیایی و محیطی در رسیدن به بلوغ و عدم‌دستیابی افراد به آموزش کافی و مهارت‌های تحصیلی، با ازدواج زودهنگام مخالفانند. حقوق‌دانان نیز ازدواج زودهنگام را تجاوز به حقوق انسانی می‌دانند (کول^{۳۱}، ۲۰۱۶). از منظر آموزشی نیز ازدواج زودهنگام مانعی برای دستیابی به تحصیلات و آموزش بهتر و کامل‌تر است. از بعد روان‌شناختی - جامعه‌شناختی نیز ازدواج زودهنگام مانعی برای کسب مهارت‌های شهروندی و اجتماعی تلقی می‌شود. در واقع، ازدواج در سنین پایین، به دلیل عدم‌تکامل اندام‌های جنسی و ناآشنایی با فعالیت‌های جنسی، می‌تواند عوارض جدی جنسی به همراه داشته باشد و همه این موارد موجبات ناسازگاری زوجین با یکدیگر را فراهم می‌آورد (سانتیا^{۳۲}، ۲۰۱۱؛ سنفورد^{۳۳}، ۲۰۰۵).

بر اساس نظریه رشد روانی - اجتماعی اریکسون نیز شخصیت فرد در مراحل رشد می‌یابد که هر مرحله به صلاحیت‌یافتن و شایسته‌شدن در محدوده‌ای از زندگی مربوط است. اگر در گذار از یک مرحله به مرحله دیگر خلل و ضعف پیش آید، حس بی‌کفایتی در شخص به وجود خواهد آمد. از مرحله پنج به بعد در سلسله‌مراحل رشد هشت‌گانه روانی و اجتماعی، مباحثی در خصوص دوران نوجوانی و احساس هویت در برابر گم‌گشتگی مطرح می‌شود (اریکسون^{۳۴}، ۱۹۸۰). ازدواج کودکان باعث اختلال در مراحل رشد روانی - اجتماعی می‌شود و کودک را بدون گذراندن دوران نوجوانی، تا انتهای دوران کهن‌سالی دچار سرگشتگی، بی‌هویتی، انزوای عاطفی و اجتماعی و افسوس خواهد کرد. در نظریه انتخاب (گلاسر^{۳۵}، ۱۳۸۵؛ اروین^{۳۶}، ۲۰۰۳) نیز بر پنج نیاز اساسی انسان تأکید می‌شود. این نیازها شامل بقا، عشق، قدرت، آزادی و تفریح است. همان‌گونه که هاروی و رتر^{۳۷} (۲۰۰۲) تأکید دارند، ناهم‌خوانی در نیازها به صورت انواع مشکلات جلوه می‌کند و زوجها را مجبور می‌سازد تا راه‌حلی برای این مسئله بیابند؛ این در حالی است که در ازدواج‌های مبتنی بر کودک‌همسری، یک یا هر دو طرف رابطه فاقد منابع و مهارت‌های لازم برای حل مشکلاتشان هستند.

مرور نقادانه تحقیقات پیشین در حوزه کودک‌همسری نشان داد که تحقیقاتی با رویکرد کیفی درباره پدیده ازدواج زودهنگام انجام شده، اما این مطالعات بیشتر به پیامدها و نتایج ازدواج زودهنگام پرداخته و کمتر به زمینه‌ها، علل و شرایط ناظر بر پدیده کودک‌همسری توجه شده است. آنچه در این مطالعه مورد بحث قرار خواهد گرفت، راهبردها و استراتژی‌های متفاوت کنشگران مورد مطالعه در برابر پدیده

کودک‌همسری است. به این ترتیب، متناسب با رویکرد روشی نظریه زمینه‌ای، ابعاد پنهان مسئله و لایه‌های زیرین پدیده ازدواج زود هنگام مورد بررسی قرار می‌گیرد و فهم عمیق‌تری از موضوع حاصل خواهد شد. علاوه بر این، تأکید بر رویکرد استقرایی و اکتشافی نظریه زمینه‌ای برای فهم کنش ازدواج زود هنگام در میان مشارکت‌کنندگان در تحقیق، منجر به مفهوم‌سازی و خلق نظریه در ارتباط با پدیده مذکور خواهد شد. بنابراین با در نظر داشتن پیامدهای گسترده ازدواج زود هنگام در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی و همچنین رواج قابل توجه آن در نقاط مختلف ایران، انجام مطالعات ژرفانگر که از عهده تبیین عوامل و شرایط حاکم بر این پدیده برآیند، ضروری خواهد بود. در همین راستا، مطالعه حاضر در پی پاسخ‌گویی به سؤالات زیر، با تمرکز بر تجربه زیسته زنان از ازدواج زود هنگام است.

- پدیده کودک‌همسری در چه شرایطی در قلمرو مورد مطالعه اتفاق می‌افتد؟
- راهبردهای مواجهه با کودک‌همسری در میان دختران، در قلمرو مورد مطالعه چه بوده است؟
- پیامدهای اتخاذ هر راهبرد توسط دختران کودک‌همسر، در قلمرو مورد مطالعه چه بوده است؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

رویکرد روشی این مطالعه تفسیری و از نوع کیفی است. این رویکرد به فهم رفتار انسان، انگیزه‌ها، معانی ذهنی و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن رفتار کمک می‌کند. جامعه مورد بررسی در این مطالعه زنان روستایی در شهرستان چناران است. با توجه به کیفی بودن تحقیق، حجم نمونه در فرایند جمع‌آوری اطلاعات با رسیدن به درجه اشباع مشخص شده است. بر این مبنا، در مجموع با ده نفر از زنان روستایی صحبت شد که به‌طور متوسط ۵ تا ۷ سال از ازدواج ایشان گذشته بود. محققان این مطالعه، برای انجام مصاحبه‌ها، سفری چندروزه به قلمرو روستایی مورد نظر داشتند و بعد از حضور در این قلمرو، نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و با کمک رابط آشنا با محیط پژوهش انجام شد. در این راستا، به زنانی مراجعه شد که بیشترین اطلاعات را داشتند.

تکنیک جمع‌آوری داده در این تحقیق مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته بود و مصاحبه‌هایی بین ۹۰ تا ۱۲۰ دقیقه انجام شد. در مرحله بعد، این مصاحبه‌ها به متن تبدیل شد. روش مصاحبه در این پژوهش مصاحبه مسئله‌محور می‌باشد که توسط ویتزل مطرح شده است. این روش شامل پیشنهادهایی برای صورت‌بندی پرسش‌ها و نحوه کندوکاو در حین مصاحبه، به‌ویژه با استفاده از راهنمای مصاحبه است (فلیک^{۲۸}، ۱۳۹۲: ۱۷۹). سؤالات مصاحبه‌ها در سه محور پیش‌ازدواج، حین ازدواج و بعد از ازدواج تقسیم‌بندی شد و در این راستا، بر معیارها و فرایندهای گزینش همسر توسط فرد و خانواده او نیز تأکید شد. در مرحله تحلیل داده‌ها از روش «نظریه زمینه‌ای» استفاده شده است. روش نظریه زمینه‌ای نوعی روش پژوهش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه‌های گوناگون این امکان را می‌دهد که به‌جای اتکا به نظریه‌های موجود و از پیش تعریف‌شده، به تدوین نظریه اقدام کنند (استراوس و کربین^{۲۹}، ۱۳۹۲). همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک تحلیل مقایسه مداوم استراوس و کوربین، شامل سه مرحله

کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی استفاده شده است (فیلیک، ۱۳۹۲؛ استراوس و کربین، ۱۳۹۲). هدف از این سه مرحله، قراردادن داده‌ها و پدیده‌ها در قالب مفاهیم و مرتبط کردن مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی و در نهایت ترسیم بستر مفهومی منسجمی برای برآمدن نظریهٔ زمینه‌ای می‌باشد. به‌طور کلی برای اعتباربخشی به فرایند و نتایج تحقیق، تلاش محققان بر آن بوده است که گام‌های انجام‌شده در مصاحبه و تحلیل، منطبق بر توصیه‌های روش‌شناختی این حوزه در منابع معتبر باشد. برای ارزیابی موفقیت محققان در این حوزه، به ملاک‌های هفت‌گانهٔ استراوس و کوربین (۱۳۹۲، ۲۸۵)، در بررسی یک تحقیق نظریهٔ زمینه‌ای ارجاع داده شده است که بر مبنای آن فرایند نمونه‌گیری با تفصیل توضیح داده شده است، مقوله‌های اصلی ظهوریافته در تحقیق در بخش یافته‌ها بیان شده است، رویدادها، وقایع و کنش‌هایی که به مقوله‌های ظهوریافته مرتبط هستند در قالب شواهدی برای هر مقوله آورده شده است. در پیشبرد نمونه‌گیری نظری، توجه محقق بر حرکت در جهت شفاف‌تر شدن راهبردهای اتخاذشده از سوی کنشگران مورد مطالعه و پیامدهای حاصل از این راهبردها بوده است. در انتهای بخش یافته‌ها، مدلی ارائه شده است که روابط میان مقولات را روشن می‌کند و نهایتاً مقولهٔ هسته‌ای در فرایند مباحثه میان محققان و بازاندیشی در متن، به‌تدریج ساخته شده است.

بیان یافته‌ها

توصیف ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخ‌گویان

در این پژوهش، در مجموع ده مصاحبه با زنان روستایی در شهرستان چناران انجام شده است. در جدول ۱ ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخ‌گویان آورده شده است. همچنین برای حفظ حریم شخصی مصاحبه‌شوندگان، به‌عنوان یک الزام اخلاقی، برای هریک از اسم مستعار استفاده شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخ‌گویان

نام	سن ازدواج	سطح تحصیلات	تعداد سال‌های گذشته از ازدواج	شغل همسر
سمیه	۱۶	سیکل	۸	نانوا
زینب	۱۴	سیکل	۱۰	نانوا
زهرا	۱۵	ابتدایی	۷	خشکبارفروشی
ستاره	۱۷	سیکل	۱۰	چوپان
الهام	۱۴	ابتدایی	۱۰	چوپان
محبوبه	۱۳	سیکل	۱	کشاورز
مژگان	۱۳	ابتدایی	۱	کشاورز
سمانه	۱۴	سیکل	۵	کشاورز
سمیرا	۱۳	سیکل	۳	کشاورز
عاطفه	۱۴	سیکل	۲	چوپان

داده‌های تحقیق، پس از جمع‌آوری و پیاده‌سازی به‌وسیله نرم‌افزار مکس کیودی‌ای کدگذاری شد. در نهایت، هجده مقوله محوری و یک مقوله انتخابی به دست آمد. در ادامه، برای توصیف جامع و مفصل مقوله انتخابی، کودک‌همسری به‌مثابه تلفیق انفعال کودکانه و اقتدار سنت‌مدارانه، به هریک از مقوله‌های محوری پرداخته می‌شود.

پدیده مرکزی: کودک‌همسری تلفیق انفعال کودکانه و اقتدار سنت‌گرایانه

با توجه به مفاهیم و مضامین مستخرج از تحلیل یافته‌ها که ناظر بر رواج پدیده کودک‌همسری به‌صورت بین نسلی است و محیط فرهنگی درون‌نگر جامعه روستایی و بی‌اهمیتی تحصیل دختران از یک سو و فقدان محیط آموزشی مناسب برای دختران، فشار اجتماعی بر آنان برای ازدواج زود هنگام، موضوعیت نداشتن عشق پیش از ازدواج، فقدان مهارت‌های زندگی و در نهایت محوریت تمام‌وکمال مردسالاری در نظام اجتماعی جامعه روستایی از سوی دیگر، می‌توان استدلال کرد هرچند در جامعه مورد مطالعه، عاملیت دختران در گزینش همسر کاهش می‌یابد و ایشان در فرایند همسرگزینی کاملاً منفعل‌اند، والدین به‌خصوص پدر خانواده به‌عنوان نماینده اجرای سنت‌های جاری در روستا و به‌دلیل محوریتی که نقش او در نظام اجتماعی سنتی دارد، به‌عنوان عامل مقتدر در فرایند گزینش همسر برای دختران خود عمل می‌کند. از همین رو، معمولاً دختران قادر به دادن پاسخ منفی نیستند؛ زیرا پاسخ منفی آنان پاسخ به یک شخص نیست، بلکه تخطی از هنجارها و باورهای سنت‌مدارانه نظام اجتماعی روستاست.

شرایط علی

رواج بین نسلی ازدواج زود هنگام: فرهنگ خانوادگی، محلی و قومی و هنجارهای رایج میان مردم، مبنی بر لزوم ازدواج زود هنگام، یکی از شروط علی پدیده کودک‌همسری است. به یک معنا، ازدواج زود هنگام کودکان به‌عنوان یک پدیده بین نسلی در میان مشارکت‌کنندگان در تحقیق رواج دارد. زنانی که عموماً به این صورت ازدواج می‌کنند، فرزندان‌شان را نیز به این سبک ازدواج برمی‌انگیزند. به این دلیل هم است که با وجود مخالفت قلبی دختران، ظاهراً آنان به این سبک از ازدواج رضایت می‌دهند.

✓ زینب در این باره گفت: «فکر کنم همون سیزده‌چهارده‌سالگی بود که شروع شد. ولی من خودم میلی برای ازدواج نداشتم، سال دوم راهنمایی، آخراش، خواستگار زیاد داشتم و برام میومدن و نصف این‌ها رو خودم اطلاع نداشتم. همه دخترای اینجا از همین سن و حتی کمتر براشون خواستگار میداد و ازدواج می‌کنن.»

بی‌اهمیتی تحصیل دختران: خانواده‌ها ادامه تحصیل برای دختر را فقط تا حد به‌دست‌آوردن سواد خواندن و نوشتن لازم می‌دانند و معتقدند بعد از آن دیگر ضرورتی ندارد؛ برای همین معمولاً از ادامه تحصیل دخترانشان جلوگیری می‌کنند و تنها گزینه‌ای که خانواده بعد از ترک تحصیل پیش روی دخترانشان قرار می‌دهند، ازدواج است. از این رو، زنان کودک‌همسر یا پیش از ازدواج از سوی پدر و مادر یا در آستانه ازدواج از سوی شوهر، از ادامه تحصیل منع می‌شوند؛ زیرا خانواده‌ها تحصیل را عامل انحراف دختران می‌دانند.

✓ زینب درباره این مقوله گفت: «خانواده‌ها گفتن نه دیگه درس تا همین جا کافیه. می‌خواهی چه کار کنی؟ بهتره به خانواده‌ت برسی. دوست نداشتن بعضی حرفا پیش بیاد. ما هم گوش کردیم؛ مثلاً می‌گفتن دوست نداریم بقیه بگن عروس فلائی خونه‌زندگی‌ش رو ول کرده و چسبیده به درسش...»

فشار اجتماعی بر دختران مجرد: نگاه منفی اطرافیان به ازدواج دختران در سنین بالای هجده سال، به عنوان یک عامل مؤثر در پیوند زناشویی شناخته شده است. این فشار از سوی دیگران، دختران را در موقعیتی منفعلانه قرار می‌دهد. از طرف دیگر، دختران عموماً از سنین پایین چون در معرض صحبت‌های اطرافیان در خصوص ازدواج قرار دارند، کم‌کم آمادگی پذیرش این موضوع را پیدا می‌کنند. علاوه بر این، موضوع برداشت‌های منفی اطرافیان از ازدواج در سنین بالا علاوه بر اینکه دختران را متأثر می‌کند، خانواده‌های دختران را پیوسته در معرض فشار اجتماعی قرار می‌دهد.

✓ الهام گفت: «روستای ما یک رسمی داره که وقتی چند تا خواستگار بیاد و جواب ندیم، می‌گن چرا جواب نمی‌دید؟ این دختر حتماً یک مشکلی داره که جواب نمی‌دن...»

فقدان محیط آموزشی مناسب: یکی از مواردی که می‌تواند به ارتقای سطح تحصیلات منجر شود، وجود بستر و امکانات لازم برای ادامه تحصیلات است؛ از این رو، نبودن شرایط و امکانات برای ادامه تحصیل، لزوم مهاجرت به شهر برای ادامه تحصیل و در مرتبه بعد، فقدان شرایط لازم برای اشتغال زنان و اساساً نبودن امکان اشتغال آنان و محدود کردن اشتغال زنان به کشاورزی، به منفعلانه عمل کردن دختران در ارتباط با پدیده کودک‌همسری خواهد انجامید. این موارد که به لحاظ فرهنگی در مردم ناحیه مورد مطالعه بر اساس یک تعریف مشترک بین آنان مورد قبول واقع شده است، دختران جوان را به پذیرش ازدواج زودهنگام سوق می‌دهد.

✓ ستاره در این باره گفت: «نه دیگه؛ چون اینجا فضاش نبود و دبیرستان نبود که بری، تا راهتمایی بیشتر نبود و چون باید برای ادامه خارج روستا می‌رفتی، پدرم اجازه ندادن. خلاصه خواستگار اومد و صحبت کردیم و راضی شدیم.»

شرایط زمینه‌ای

محیط فرهنگی بسته و درون‌نگر جامعه روستایی: رهایی از سخت‌گیری‌های والدین در خانه، اعم از تعصبات آنان در نوع پوشش دختران، نوع رفتار، رفت‌وآمدها، مدرسه رفتن، ارتباط با جنس مخالف و رسم‌هایی مانند نشان کردن دختران از بدو تولد به نام یکی از پسرهای خویشاوندان و نهایتاً ازدواج‌های درون‌خویشاوندی مواردی است که نشان از بسته بودن محیط فرهنگی جامعه روستایی دارد. به همین دلیل، مصاحبه‌شوندگان عموماً از ازدواج در دوران کودکی با وجود نارضایتی، سطحی از پذیرش را نیز دارند. در واقع، از نگاه آنان ازدواج می‌تواند ایشان را از بند سخت‌گیری‌های والدین رها کند و به آرزوهایشان برساند؛ اما این نگاه مختص سال‌های ابتدایی زندگی است؛ زیرا پس از گذشت چند سال از زندگی و فرزندآوری، زنانی که پدیده کودک‌همسری را تجربه کرده‌اند، عموماً از زندگی خود رضایت چندانی ندارند.

✓ سمانه در مورد این مقوله گفت: «ازدواجم راستش خیلی سخت بود و فکر می‌کردم وارد یک سختی بزرگ می‌شم... واقعاً هم سخت بود و درست فکر می‌کردم. اون موقع‌ها فکر می‌کردم اگه به شوهرم بله رو بدم، از همه مشکلاتی که تو خانواده هست راحت می‌شم، ولی فکر نمی‌کردم وارد یک سختی‌های بیشتری می‌شم...»

محوریت تمام‌عیار مردسالاری در نظام اجتماعی جامعه روستایی: مردان و به‌طور خاص پدران نقش بسیار مهمی در فرایند گزینش همسر برای دخترانشان در سنین کودکی ایفا می‌کنند. به یک معنا احترام به والدین و ارزش بالای خواست والدین در خصوص انتخاب همسر دختران در سنین کودکی شرط زمینه‌ای است که می‌تواند بستری برای ایجاد پدیده کودک‌همسری و انفعال دختران باشد. در واقع حضور

مقتدرانه پدران در کنار انفعال دخترانشان، نشانی از محوریت مردسالاری و به‌طور خاص سنت و هنجار پدرسالاری در نظام اجتماعی جامعه روستایی است.

✓ محبوبه در این مورد گفت: «یک اخلاقی داریم که دوست نداریم رو حرف بابام حرف بزیم. بابام اخلاقی عجیبی داره. در واقع به این خاطر که بابام ناراحت نشه، به حرفش گوش دادم. بابام از بین همه خواستگارام همین رو انتخاب کرد. ما دوست نداریم رو حرف بابام حرف بزیم و خودمون تصمیم بگیریم.»

شرایط مداخله‌گر

موضوعیت نداشتن عشق پیش از ازدواج: دختران مورد مطالعه، به‌حسب زمانه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، عشق در دوران قبل از ازدواج را تجربه می‌کنند یا حداقل به آن می‌اندیشند و از آن به‌عنوان یک پدیده لذت‌بخش یاد می‌کنند؛ اما خانواده‌ها و والدین عشق پیش از ازدواج را امری نامأنوس با شرایط اجتماعی روستا می‌دانند و تجربه آن را خطا می‌پندارند. از این‌رو، دخترانشان را به ازدواج و تجربه عشق به همسر، بعد از ازدواج، ترغیب می‌کنند. اگر هم دختری در این شرایط عشقی به کسی داشته باشد، معمولاً به وصال نخواهد رسید و به‌صورت پنهانی باقی خواهد ماند. حتی اگر در شرایطی ابراز شود، با مخالفت صریح از سوی خانواده روبه‌رو خواهد شد و در نهایت نیز با کسی ازدواج می‌کند که مورد تأیید والدینشان باشد.

✓ سمیرا گفت: «می‌شد درباره عاشق‌شدنم به پدرم چیزی بگم اصلاً. خوبیت نداشت. بنابراین تو دلم نگه داشتم این حرفا قبل ازدواج، می‌گفتن عشق بعد ازدواج میاد و منم قبول کردم...»

فقدان مهارت‌های زندگی: یکی از پیش‌شرط‌های آمادگی دختران برای انتخاب همسر و تشکیل زندگی مشترک، مجموعه‌ای از مهارت‌های زندگی است. این مهارت‌ها اساساً توانایی‌های اجتماعی‌روانی فرد را افزایش می‌دهد. مهارت تصمیم‌گیری، مهارت پاسخ منفی دادن، مهارت کنترل هیجان‌ها و استرس‌ها و توانایی برقراری روابط بین فردی و نیز رابطه مؤثر با دیگران، به‌ویژه همسر، از جمله مهارت‌هایی است که عموماً دختران کودک همسر فاقد آن هستند. احساس شرم و حیا و خجالت، ابتدا در برابر خانواده و بعد در برابر همسر، در رابطه با بیان نیازهای جنسی، عاطفی و مالی، ناآگاهی از وظایف نقش همسری، ناتوانی در ابراز پاسخ منفی و بیان نظر خود به خانواده در باب انتخاب همسر، از مهم‌ترین مواردی است که می‌توان به آن در خصوص مهارت‌های زندگی در دختران مورد مطالعه اشاره کرد.

✓ ستاره در این مورد گفت: «در مورد مسائل خانه‌داری و زنانه و ازدواج، تو خونه حتی با مادرم اصلاً حرف نمی‌زدیم. این حرفا تو خونه ما به میون نمی‌اومد. بد بود. اینا رو تو رفتار مادر می‌دیدم و یاد می‌گرفتم...»

راهبردها

سهل‌گیری در همسرگزینی: معیارهای ازدواج در طی فرایند جامعه‌پذیرشدن، تحصیل و روابط اجتماعی با گروه‌های مختلف و در طی مراحل گوناگونی شکل می‌گیرد. دخترانی که در سنین کودکی در فرایند همسرگزینی قرار می‌گیرند، از یک سو تحصیلات خود را تکمیل نکرده‌اند و از سوی دیگر با توجه به اجبار هنجاری محیطی که در آن زندگی می‌کنند، روابط اجتماعی محدودی دارند؛ به همین دلیل معیارهای سهل‌گیرانه‌ای در گزینش همسر اتخاذ می‌کنند. دختران کودک همسر، علاوه بر اینکه وظایف زن را محدود به پختن غذا، مهربانی و انجام وظایف همسری و مادری می‌دانند، تعریفی که از مرد خوب ارائه می‌دهند، مردی

است که اعتیاد نداشته باشد، کار کند و خوش اخلاق باشد. در نتیجه، دختران مورد مطالعه، بعد از ازدواج هم اگر در زندگی زناشویی مشکلی داشته باشند، بر اساس همان باورها و سنت‌های پذیرفته شده در اجتماع روستایی، رویکرد سازش را در پیش می‌گیرند.

✓ زینب گفت: «من دختری نبودم که در مورد این جور مسائل زیاد کنجکاو بشم...؛ اسماعیل هم معتاد نبود، هم اهل کار بود.»

تقدیرگرایی در تن‌دادن به زندگی زناشویی: برخی دخترانی که در برابر پدیده کودک‌همسری قرار می‌گیرند، عموماً در فرایند گزینش همسر و بعد از آن در زندگی زناشویی خود، ابراز ناراضی‌آشکار نمی‌کنند. آنان دائماً در تلاش‌اند که با شرایط مدارا کنند و سختی‌های آنان را بپذیرند. استراتژی دختران کودک‌همسر بعد از مواجهه با شرایط پس از ازدواج و سختی‌هایی که رابطه زناشویی بر آنان تحمیل می‌کند، کنار آمدن و پذیرش وضع موجود یا به‌نوعی پذیرش تقدیر پیش‌آمده به‌عنوان بخشی از زندگی است.

✓ زهرا درباره این مقوله گفت: «شوهرم گاهی سخت می‌گیره، می‌گه نرو بیرون یا دعوی کلامی شاید داشته باشیم، اما خب

باید بسازیم، باید زندگی رو حفظ کنیم...»

تعجیل در یادگیری اصول زناشویی: دخترانی که در نظام اجتماعی جامعه روستایی رشد کرده‌اند، از همان سنین کودکی خود ملزم به یادگیری اصول نظیر نحوه خانه‌داری، پخت غذا، شست‌وشوی لباس و رفت‌ووروب خانه و همسررداری از سوی خانواده به‌خصوص مادر هستند. اما نکته حائز اهمیت در باب اصول زناشویی، رابطه جنسی است. در واقع تا قبل از عقد، کسی در باب این موضوع با دختران گفت‌وگو نمی‌کند. بر اساس یافته‌های این مطالعه، دختران کودک‌همسر در طی فرایند ازدواج خود و به شکل تجربی یا پرس‌وجو از اطرافیان به فهم رابطه جنسی و اصول آن نائل می‌شوند و تا قبل از آن هیچ‌گونه آگاهی‌ای به این مقوله ندارند.

✓ سمیه ابراز داشت: «من فکر می‌کنم ماها وقتی رو غلتک زندگی می‌افتادیم، خودمون کم‌کم یاد می‌گرفتیم؛ انگار غریزی یاد

می‌گرفتیم.»

همسرگزینی در شبکه خویشاوندی: خانواده‌ها به‌عنوان نمایندگان اجرای سنت‌ها در نقشی مقتدرانه در جامعه روستایی، عموماً برای انتخاب همسر برای دخترانشان از میان خویشاوندان در سنین کودکی اقدام می‌کنند. همسرگزینی درون‌گروهی یا به عبارت دیگر درون‌خویشاوندی نیز یکی از راهبردهای غالب مصاحبه‌شوندگان و خانواده‌های آنان در برابر پدیده مرکزی گزینش همسر بوده است.

✓ عاطفه گفت: «معمولاً همه خواستگارام از توی فامیل بود. خانواده‌ها تو روستای ما کمتر با غریبه‌ها وصلت می‌کنند و ازدواج

معمولاً فامیلیه.»

همزادپنداری دختران با یکدیگر در پذیرش ازدواج زودهنگام: یکی از مهم‌ترین راهبردهایی که دختران در ارتباط با پدیده مذکور اتخاذ می‌کنند، یکسان‌دانستن وضعیت دختران در جامعه روستایی در ازدواج است. در واقع اینکه تقریباً همه دختران روستا به‌جز تعداد اندکی در کودکی تشکیل خانواده می‌دهند و آن تعدادی که این فعل را انجام نمی‌دهند، معمولاً در نظر مردم عمل قبیحی را مرتکب شده‌اند تا حد زیادی می‌تواند از فشار روانی حادث شده بر آنان بکاهد. به نظر می‌رسد این راهبرد حدی از تسهیل‌کنندگی را در پذیرش ازدواج برای دختران کودک‌همسر به همراه دارد.

✓ زینب بیان داشت: «موقعیت ما یک‌جوری بود که من و دخترعمو هام، همه تو یک سن بودیم و فکرمون یک‌جوری بود و باهم ازدواج کردیم... همه‌مون موقعیت زندگی‌مون یک جور بود، همه‌مون به فاصله‌ی زمانی شش‌هفت ماه تا یک سال ازدواج کردیم و همه با هم بودیم و مثل هم...»

پیامدها

به‌خطرآفتادن سلامت جسمانی: فرایند نخستین رابطه‌ی جنسی بعد از ازدواج و قدرت انتخابگری پایین دختران در برقراری رابطه‌ی مذکور و بارداری در سنین کودکی از یک سو و آگاهی کم درباره‌ی مراقبت‌های بهداشتی در رابطه‌ی جنسی، شیوه‌های جلوگیری از بارداری از سوی دیگر، همگی سطح سلامت رابطه‌ی جنسی را کاهش داده و تعداد بارداری‌های ناخواسته را افزایش می‌دهد.

✓ الهام گفت: «روزی که بچه می‌خواست به دنیا بیاد، چهار شب قبلش من رو سزارین کردند. وقتی زود عروس شی، مجبوری زود حامله بشی. اگه حامله نشی، شوهر یا خانواده‌ی خودت می‌گن حتماً مشکلی داره. الان که دو تا بچه هم دارم، نمی‌دونم وسایل پیشگیری چی هست...»

فشار روانی ناشی از عدم آمادگی برای پذیرش نقش همسری: ازدواج در سنین کودکی پیامدهایی مثل از بین رفتن احساسات کودکانه‌ی دختران، تمایل رفتارهای زنانه و مادرانه به دخترانی که هنوز باید کودکی کنند و واگذاری مسئولیت‌هایی مانند پخت غذا، رفت‌و‌رو به خانه، بارداری، زایمان، رابطه‌ی جنسی را برای آنان در پی دارد. در واقع، قراردادن دختران در موقعیت نامتناسب با سن و شرایط روحی و جسمی آنان، ورود یکباره به دنیای بزرگسالی را به همراه دارد. با ورود به دنیای بزرگسالی تمامی احساسات و رفتارهای کودکانه‌ی آنان سرکوب خواهد شد و به همین دلیل نیز فشار روانی و روحی زیادی در فرایند پذیرش نقش همسری متحمل خواهند شد.

✓ مژگان گفت: «از وقتی ازدواج کردم، بهو خیلی چیز یاد گرفتم. اینکه هر چی بینمون می‌گذره رو جایی نگم...! الان همه‌ی کارای خونه رو خودم می‌کنم. امسال خانم‌تر شدم... پوششم هم تغییر کرده، بزرگ‌تر شده.»

انزوای اجتماعی: زود قرار گرفتن دختران در نقش همسری و مادری، محرومیت از امکان ادامه‌ی تحصیل و اشتغال، حضور فعال در اجتماع، مشغولیت آنان به فرزندآوری و خانه‌داری و در مواردی ممنوعیت رابطه با دوستان مجرد بعد از ازدواج، همگی مواردی است که در یک بستر و در ارتباط با هم، موجبات انزوای اجتماعی دختران کودک همسر را در نظام اجتماعی جامعه‌ی روستایی فراهم می‌آورد. البته نکته‌ی حائز اهمیت این است که در این شرایط نیز دختران با وجود نارضایتی بر اساس راهبرد تقدیرگرایی عمل می‌کنند و عموماً اعتراضی نسبت به وضعیت موجود ندارند.

✓ زهرا در این باره گفت: «شوهرم اولاً می‌گفت چون تنهایی و بچه نداری و جوون هستی، اما الان می‌گه مادر دو تا بچه هستی، نیاز به کار نیست و می‌گه مرد برا کاره و زن برا کار نیست. منم دوست ندارم شوهرم و بچه‌هام از دستم برن. برای همین بیرون نمی‌رم.»

تداوم سنت‌های اجتماعی و نهادی پشتیبان ازدواج زودهنگام: عموماً زنانی که در این مطالعه تجربیاتشان مورد بررسی قرار گرفته است، بر این باور بودند که تا جایی که امکان داشته باشند، از ازدواج دخترانشان در سنین کودکی جلوگیری می‌کنند؛ اما با توجه به سایر شرایط ذکرشده و ساختار و بستری که این شرایط در آن به وقوع پیوسته، عموماً تغییر رویه در گزینش همسر حتی به درخواست والدین، در گروه‌های خویشاوندی امکان‌پذیر نیست و درخواست این تغییر از سوی دختران و حتی خانواده نیز به دلیل اینکه خلاف سنت‌ها و باورهای پذیرفته‌شده در نظام اجتماعی روستاست، درخواستی غیرقابل‌پذیرش و حتی قبیح در نظر اطرافیان در جامعه‌ی روستایی محسوب می‌شود.

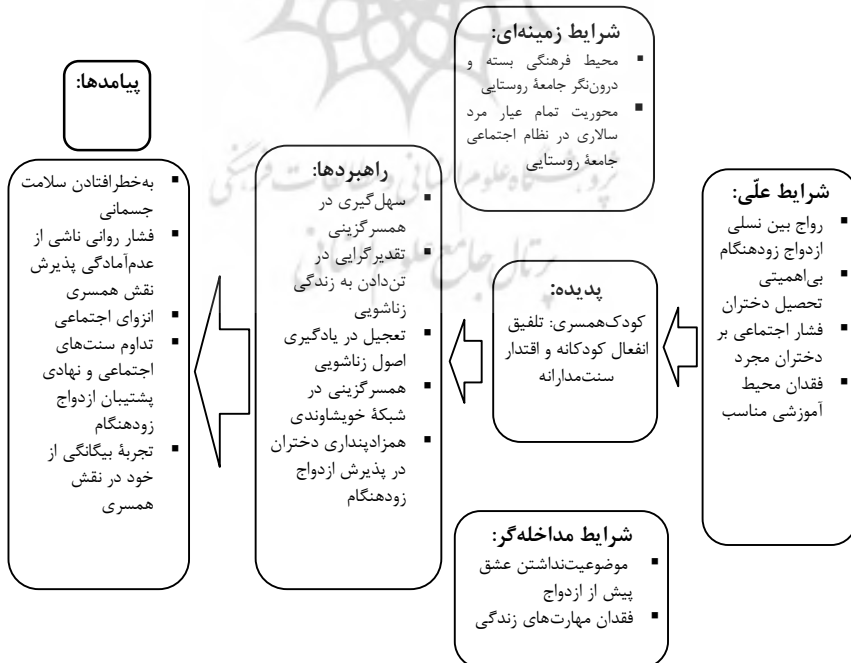
✓ سمیرا گفت: «دلم می‌خواد دخترم رو نمی‌ذارم تو اون سن ازدواج کنه. می‌خوام که از زندگی‌اش لذت ببره و بیشتر آزاد باشه و بعد تو سن ۲۰ سالگی ازدواج کنه. باید خوب بفهمه درس بخونه یاد بگیره تا مثل من سختی نکشه؛ اما خب باید ببینم می‌تونم همچین کاری رو تو یه روستا انجام بدم یا نه.»

بیگانگی از خود در نقش همسری: زمانی که نقشی زودتر از موعد به فردی که هنوز به لحاظ اجتماعی جامعه‌پذیر نشده و توانایی ایفای آن نقش را ندارد محول بشود، عملاً آن فرد دچار نوعی بیگانگی نسبت به نقش محول شده می‌شود. بر این اساس، دخترانی که هنوز در فضای کودکی به سر می‌برند، زمانی که در نقشی مربوط به دوران بزرگسالی قرار می‌گیرند، با مجموعه‌ای از وظایف روبه‌رو می‌شوند که هیچ آگاهی‌ای از آن‌ها ندارند. برای همین آنان علاوه بر فشار روحی و روانی که از بابت ناتوانی در اجرای آن نقش متحمل می‌شوند، به دلیل دوری از کودکی که هنوز باید تا سال‌ها آن را سپری می‌کردند و بعد به دلیل ناآگاهی از قواعد و اصول نقش جدید، دچار نوعی بیگانگی از خود می‌شوند که تا سال‌ها همراه آنان خواهد ماند.

✓ سمیرا گفت: «من حتی اول که ازدواج کرده بودم، بلد نبودم چایی بذارم. تو خونه بابام مجبور نبودم کار کنم؛ ولی اینجا باید صبح زودتر بیدار می‌شدم چایی آماده کنم. اوایل همسرم همه‌ش مجبور بود ساندویچ بخوره. چون بلد نبودم و کم‌کم یاد گرفتم. اذیت می‌شدم که کسی بگه عروس ما بلد نیست کاری بکنه.»

مقولات به دست آمده و توضیح داده شده را می‌توان در مدل پارادایمی چندبخشی قرار داد تا تصویر کامل‌تری از پدیده کودک همسری به مثابه تلفیق انفعال کودکانه و اقتدار سنت‌مدارانه به دست آید.

شکل ۱: کودک همسری به مثابه فرایندی خانواده‌محور و پذیرفته شده از سوی دختران



بحث و نتیجه‌گیری

در راستای تشریح شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر و بررسی پیامدهای ازدواج زود هنگام و راهبردهای اتخاذ شده از سوی دختران روستای بقمچ، از مدل پارادایمی استفاده شده است. این مدل به فهم بهتر فرایندها، ساختارها و زمینه‌ها کمک می‌کند. با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان گفت که شرایط و علل مختلفی بر پدیده ازدواج زود هنگام تأثیر می‌گذارد. پدیده مرکزی مطالعه حاضر ناظر بر کودک‌همسری به‌مثابه تلفیقی از انفعال کودکان در ازدواج و نقش ویژه اقتدار سنت‌مدارانه شبکه خانوادگی و خویشاوندی دختران، در فرهنگ روستای مذکور است. این مقوله با مطالعه بهرامی، حقی کرم‌الله و قربانی^{۴۰} (۱۴۰۱) و ناویید و بات (۲۰۱۵) ناهمسو و با تحقیق افتخارزاده (۱۳۹۴) همسوست. این پدیده با توجه به الگوهای فرهنگی درون‌نگر در روستا، تقدیرگرایی، ناکارآمدی آموزش برای دختران، وجود روحیه خشونت‌پذیری، فقدان قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، محوریت نقش مرد در خانواده و اهمیت هنجارهای سنت‌گرایانه برای خانواده‌ها، ترسیم شده است.

پدیده مرکزی این مدل پارادایمی با شرایط زمینه‌ای، مداخله‌گر و علی مشخصی احاطه شده است که عمده‌تاً ناظر بر رایج‌بودن این نوع ازدواج در سنین پایین در میان دختران قلمرو روستایی مورد مطالعه است. رواج این الگوی بین نسلی باعث ایجاد نوعی پذیرش عمومی در میان دخترانی شده است که در باطن با این نوع ازدواج مخالف هستند، اما به دلیل پذیرش عمومی الگوی ازدواج زود هنگام در روستا آن را پذیرفته‌اند یا حداقل با آن مخالفت نمی‌کنند (نک: ایمان، گلی و زارع، ۱۳۹۴). در کنار رواج بین نسلی این نوع ازدواج، بی‌اهمیتی تحصیل دختران و نبود محیط آموزشی مناسب نیز به بروز پدیده ازدواج زود هنگام و انفعال بیشتر دختران در فرایند ازدواج منتهی شده است؛ زیرا خانواده‌ها نیز تحصیل و آموزش را برای دختران فاقد نتیجه و عامل انحراف از زندگی زناشویی می‌دانند (بهنجانی، ۲۰۱۴؛ جنسن و تورنتون، ۲۰۰۳). بنابراین نوعی فشار اجتماعی بر دختران در ازدواج زود هنگام وجود دارد و آنان برای قرارنگرفتن در معرض بازخوردهای منفی اطرافیان تن به ازدواج می‌دهند.

محیط فرهنگی درون‌نگر و محوریت مردسالاری در نظام اجتماعی جامعه روستایی از دیگر شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر ناظر بر پدیده ازدواج زود هنگام است. این مورد با یافته‌های تحقیق میلر (۲۰۱۶) و کلانقان، گامبو و فلین (۲۰۱۵) که تنها مؤلفه اثرگذار بر ازدواج زود هنگام را فقر خانوادگی می‌دانستند، ناهمسوست. این درحالی است که ساختار اقتدارگرایی پدرسالارانه جامعه نقش ویژه‌ای در بروز این پدیده به‌خصوص در جوامع کوچک دارد (نک: لال، ۲۰۱۵؛ ابراهیمی و فخرایی، ۱۳۹۲). عشق پیش از ازدواج، به‌عنوان یک پدیده مدرن، از شروط مداخله‌گر پدیده کودک‌همسری به‌مثابه تلفیقی از انفعال کودکان و اقتدار سنت‌ها محسوب می‌شود که در مطالعات پیشین به آن اشاره نشده است (ایمان، گلی و زارع، ۱۳۹۴؛ صفوی و مینایی، ۱۳۹۴؛ گلی، رموحان و سینگ، ۲۰۱۵). عشق پیش از ازدواج عموماً با شرایط اجتماعی روستای مذکور نامأنوس است و تجربه آن برای دختران از منظر خانواده‌ها خطا محسوب می‌شود و معمولاً تجارب عاشقانه میان دختر و پسر به‌صورت پنهانی باقی خواهد ماند؛ از این‌رو، امری نامأنوس با شرایط اجتماعی روستای مذکور بوده است. در کنار این مورد، فقدان مهارت‌های زندگی نیز در دختران جوان، ناتوانی در مهار هیجان‌ها و استرس‌ها، ناتوانی در برقراری ارتباطات میان‌فردی، ناتوانی در بیان نیازهای جنسی، عاطفی و مالی و ناآگاهی از وظایف نقش همسری نیز امکان بروز پدیده مرکزی این مطالعه را تشدید می‌کند. مورد اخیر تا حدودی با یافته‌های تحقیق گلی، رموحان و سینگ (۲۰۱۵)، سوانمیر، چندرامولی، سیگردسون چیریسیتانسن و مبیروزو (۲۰۱۱) همسوست.

زنان مورد مطالعه در ارتباط با پدیده کودک‌همسری و نقش منفعلانه خود در ازدواج و از سوی دیگر اقتدار سنت‌ها که به‌طور خاص در فضای خانوادگی حاکم است، به‌طور کلی پنج راهبرد اتخاذ می‌کنند؛ آنان از یک سو تحت‌تأثیر شرایط زندگی و جامعه‌پذیرشدنشان، معیارهای سهل و آسانی را برای گزینش همسر اتخاذ می‌کردند و اصول خانه‌داری و همسرداری و حتی روابط جنسی را از طریق منابع غیررسمی یا در سنین خیلی پایین، توسط والدین یا در طول زندگی زناشویی از همسر خود می‌آموزند. از سوی دیگر، به‌طور کلی سختی‌های ازدواج در دوران کودکی را عمیقاً پذیرفته‌اند و دچار نوعی تقدیرگرایی نسبت به پدیده ازدواج زودهنگام شده‌اند. آنان به‌علت رواج این سبک از گزینش همسر در روستای محل زندگی‌شان، نوعی همزادپنداری نسبت به ازدواج زودهنگام با یکدیگر دارند. از همین روست که پذیرش آن برایشان راحت‌تر است. متناسب با تحلیل‌های فمینیستی ریتزر (۱۳۷۴)، کودک‌همسری یکی از رایج‌ترین انواع ستم‌های جنسیتی است که عموماً در سایه پدرسالاری بر دختران وارد می‌شود و موقعیت فرودست آنان را تثبیت می‌کند.

سایه این اقتدارگرایی بر سر دختران در فرایند انتخاب همسر و دریافت آموزه‌های سنتی در ارتباط با خانه‌داری و همسرداری از زنان پیرامونشان، به تعبیر دوبووار (۱۳۸۰)، زن را در قید اسارت نگاه می‌دارد و مطیع‌بودن را به او آموزش می‌دهد و همین‌ها زمینه‌انقیاد زنان را فراهم می‌آورد. از آنجا که فرایند گزینش همسر به‌دلیل آشنایی و اعتماد بیشتر، معمولاً از درون خویشاوندان صورت می‌گیرد، موضوع کودک‌همسری فقط یک موضوع خانوادگی نیست؛ بلکه در این فرایند، علاوه بر خانواده پدری، خویشاوندان و دوستان و همسایگان هرکدام به‌نوبه خود اثرگذارند. همان‌گونه که مولر (۲۰۱۶) نیز تأکید می‌کند، در قلمرو مورد مطالعه، خانواده‌ها نه فقط به دلایل اقتصادی، بلکه برای بهره‌مندی از منافع اجتماعی، اقتصادی و گاه سیاسی به ازدواج کودکان رضایت می‌دهند.

اتخاذ راهبردهای گفته‌شده در ارتباط با پدیده همسرگزینی، پیامدهایی خواهد داشت؛ به‌خطرآفتادن سلامت جسمی و روانی یکی از پیامدهای منتج از پدیده کودک‌همسری است که در یافته‌های مطالعات جنسن و تورنتون (۲۰۱۳)، سنفورد (۲۰۰۵)، رموحان و سینگ (۲۰۱۵) و لطفی (۱۳۸۹) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. فشار روانی ناشی از اضمحلال احساسات و رفتارهای کودکانه و عدم‌آمدگی برای پذیرش نقش همسری نیز از دیگر پیامدهای پدیده مذکور است که در مطالعات پیشین کمتر به آن پرداخته شده است. در جریان کودک‌همسری، عملاً دختران از دوران کودکی وارد دوران بزرگسالی می‌شوند و از دوره نوجوانی، با همه ویژگی‌هایش که بخش مهمی از هویت و کسب استقلال در آن شکل می‌گیرد، با موفقیت عبور نخواهند کرد. آن‌ها بر اساس نظریه اریکسون (۱۹۸۰)، دچار نوعی بی‌هویتی، انزوای عاطفی و اجتماعی، ناخشنودی، ناآگاهی و ترس خواهند شد. همچنین می‌توان به تجربه ازخودبیگانگی در نقش همسری نیز به‌عنوان پیامدی دیگر اشاره کرد؛ در این شرایط، از آنجایی که کودک هنوز اجتماعی نشده و توان اجرای نقش‌های محول‌شده را ندارد، دچار نوعی بیگانگی از نقش همسری و بعدها مادری و سایر نقش‌های مرتبط با ازدواج خواهد شد. این شرایط فشار روانی ناشی از ناتوانی در اجرای درست نقش و انزوای اجتماعی او را نیز در پی خواهد داشت. مبتنی بر نظریه انتخاب گلاسر (۱۳۸۵) و هاروی و رتر (۲۰۰۲)، در چنین شرایطی، نیاز به قدرت، عشق، احترام، رهایی از ناراحتی‌های روانی و جسمانی، روابط رضایت‌بخش، خودتصمیم‌گیری در زندگی مشترک برآورده نخواهد شد و این می‌تواند زمینه‌ساز فروپاشی زندگی مشترک یا بروز سطح بالایی از نارضایتی هرچند پنهان، باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. Sarokhani
2. Özcebe & Biçer
3. UNFPA
4. <https://data.unicef.org/topic/child-protection/child-marriage>
5. Svanemyr, Chandra-Mouli, V, Chri-stiansen & Mbizvo
6. Callaghan, Gambo & Fellin
7. Chenani, Rezaeei-Fard, Jalali & -Jahangiri
8. Azimi
9. Iman, Goli & Zaree
10. Kohi
11. Safavi & Minaeei
12. Lotfi
13. Eftekharzadeh
14. Goli, Rammohan, & Singh
15. Bhanji & Punjani
16. Naveed & Butt
17. Müller
18. Mehta
19. Ebrahimi & Fakhraeei
20. Lal
21. Jensen & Thornton
22. Hajilo, Aghayaree & Alipoor
23. Poortaleb, Mosaviyan-alanjah
24. Ahmed, Khan, Alia, M & Noushad
25. Güler & Küçüker
26. Fataeei, Motlagh & Aghajani-mersa
27. Ritzer
28. Bart
29. de Beauvoir
30. Motiee
31. Coole
32. Santhya
33. Sanford
34. Erikson
35. Glaser
36. Ervin
37. Harvey & Retter
38. Flick
39. Strauss & Corbin
40. Bahrami, Hagheei-Karamallah & Gh-orbani

منابع

- ابراهیمی، ح. و فخرایی، س. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با ازدواج زودهنگام در شهرستان نقده، *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۶(۲۱)، ۹۳-۱۱۰.
- استراوس، آ. و کربین، ج. (۱۳۹۲). *مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- افتخارزاده، س. ز. (۱۳۹۴). تجربه زیسته زنان در ازدواج زودهنگام، *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۱(۳)، ۱۵۶-۱۰۸.
- ایمان، م. ت.، گلی، ع. و زارع، ا. (۱۳۹۴). مطالعه الگوی فضایی شیوع ازدواج در بین زنان زیر ۲۰ سال شهری و فرزندآوری آنان، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۵(۱۴)، ۲۴-۱.
- بارت، ر. (۱۳۸۰). اسطوره در زمانه حاضر، ترجمه یوسفعلی ابادری، ارغنون، ۱۸، ۱۳۶-۸۵.
- بهرامی، و.، حقی کرم‌الله، م. و قربانی، ع. (۱۴۰۱). مطالعه داده‌بنیاد ازدواج زودهنگام دختران شهرستان پلدختر (مورد مطالعه: روستای زیودار)، *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۱(۴)، ۵۰۸-۴۷۲.
- پورطالب، ن. و موسویان انلجق، س. ب. (۱۴۰۰). *کودک‌همسری: رویکردی پدیدارشناسانه، فصلنامه حقوق کودک*، ۳(۱۰)، ۱۳-۱.
- چنانی، ف.، رضایی‌فرد، ف.، جلالی، ف. و جهانگیری، س. (۱۴۰۱). بررسی علل و آسیب‌های کودک‌همسری، *مطالعات فرهنگ و هنر*، ۷(۱)، ۱۱۴-۱۰۵.

- حاجیلو، ف.، آقایی، ت.، و علیپور آبدار، ف. (۱۴۰۰). علل زمینه‌ساز کودک‌همسری (مطالعه موردی زنان دارای تجربه زیسته مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی شهر تبریز)، *فصلنامه علمی و پژوهشی زن و جامعه*، ۱۲(۴۸)، ۱۱۶-۱۰۳.
- دوبووار، س. (۱۳۸۰). *جنس دوم*، ترجمه قاسم صنعوی، تهران: انتشارات توس.
- ریترز، ج. (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۰). *دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران: کیهان.
- صفوی، ح. س.، و مینایی، م. گ. (۱۳۹۴). *تجربه زیسته دختران نوجوان در نقش همسر (مطالعه ازدواج زودهنگام دختران آران بیدگل)*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۶(۱)، ۸۷-۱۰۶.
- فتابی، م.، مطلق، م.، و آقاجانی مرسا، ح. (۱۴۰۱). *مطالعه زمینه‌ها و پیامدهای کودک‌همسری در استان لرستان*، *فصلنامه علمی پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۹(۳۲)، ۱۴۲-۱۰۵.
- فلیک، ا. (۱۳۹۲). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کوهی، ک. (۱۳۹۸). *بررسی کودک‌همسری در کشور با تأکید به استان آذربایجان شرقی*، *فصلنامه حقوق کودک*، ۱(۳)، ۱۴۹-۱۲۹.
- گلاس، و. (۱۳۸۵). *تئوری انتخاب: روان‌شناسی جدید در آزادی فردی*، ترجمه نورالدین رحمانیان، تهران: نشر آشیان.
- لطیفی، ر. (۱۳۸۹). *پیامدهای سلامتی ازدواج زودهنگام در زنان*، *فصلنامه زن و بهداشت*، ۲، ۷۹-۶۸.
- مطیع، ن. (۱۳۷۶). *فمینیسم در ایران در جست‌وجوی یک ره‌یافت بومی*، *نشریه زنان*، ۳۳، ۱۲-۱.
- Ahmed, S., Khan, S., Alia, M., & Noushad, S. (2013). Psychological impact evaluation of early marriages. *International journal of endorsing health science research*, 1(2), 84-86.
- Azimi, K. (2020). The trend of girl child marriage in Iran based on national census data. *Sexual and reproductive health matters*, 28(1), 1820655.
- Bahrami, V., Haghi-karamallah, M., & Ghorbani, A. (2022). Data study of early marriage foundation for girls in Poldakhtar city (case study: Zivodar village), *Social and Cultural strategy*, 11(4), 472-508 [in Persian].
- Barthes, R. (2000). *Mythology in the present time*, Translated by Yusuf Ali Abazari, *Arghanoon*, 18, 136-85 [in Persian].
- Bhanji, S. M., & Punjani, N. S. (2014). Determinants of child (early) marriages among young girls: a public health issue. *Journal of Women's Health Care*, 3(3), 1-3.
- Callaghan, J. E., Gambo, Y., & Fellin, L. C. (2015). Hearing the silences: Adult Nigerian women's accounts of 'early marriages'. *Feminism & Psychology*, 25(4), 506-527.
- Chenani, F., Rezai Fard, F., Jalali, F., & Jahangiri, S. (1401). Investigating the causes and harms of child marriage, *Culture and Art Studies*, 7(1), 105-114 [in Persian].
- Coole, D. (2016). *Women in political theory*. In *Democracy: A Reader* (pp. 307-314). Columbia University Press.
- De Beauvoir, S. (2001). *The Second sex*, Translated by Ghasem Sanavi, Tehran: *Toos Publication* [in Persian].
- Ebrahimi, H., & Fakhraei, S. (2013). Investigation of the social factors associated with early marriage in Naghadeh, *The journal of sociology studies*, 3(21), 93-110 [in Persian].
- Eftekhazadeh, S. Z. (2015). The lived experience of women in early marriage, research *journal social work*, 1(3), 108-156 [in Persian].
- Erikson, E. H. (1980). *Identity and the life cycle*, New York: Norton
- Ervin, J. (2003). Giving students what they need. *British Journal of Guidance & Counseling*, 34(4), 143-156.

- Fataeei, M., Motlagh, M., & Aghajani-Mersa, H. (2022). Studying the contexts and consequences of child marriage in Lorestan province. *Social work journal*, 9(32), 105-142 [in Persian].
- Flick, U. (2013). *An introduction to qualitative research*. Translated by Hadi Jalili, Tehran: *ney Publication* [in Persian].
- Glasser, W. (2006). *Choice theory: A new psychology of personal freedom*. Translated by Nooruddin Rahmanian, Tehran: *Ashian* [in Persian].
- Goli, S., Rammohan, A., & Singh, D. (2015). The effect of early marriages and early childbearing on women's nutritional status in India. *Maternal and child health journal*, 19(8), 1864-1880.
- Güler, Ö. & Küçüker, H. (2010). Early marriages among adolescent girls in Afyon karahisar, Turkey. *Eur J Gen Med*, 7(4), 365-371.
- Hajiloo, F., Aghayari, T., & Alipour-Abdar., F. (2021). The underlying causes of child marriage (a case study of women with lived experience referring to health centers in Tabriz. *Journal of Women and Society*, 12(48), 103-116 [in Persian].
- Harvey, V.S., & Retter, K. (2002). Variations by gender between children and adolescents on the four basic psychological needs. *International Journal of Reality Therapy*, 21(2), 33-36.
- Iman, M., T, Goli., A., & Zaree, A. (2015). Studying the spatial pattern of marriage prevalence among urban women under 20 years of age and their child bearing, *Urban sociological studies*, 5(14), 1-24 [in Persian].
- Jensen, R., & Thornton, R. (2003). Early female marriage in the developing world. *Gender & Development*, 11(2), 9-19.
- Kohi, K. (2018). Investigation of child marriage in country with emphasis on East Azarbaijan Province, *Children Rights journal*, 1(3), 129-149 [in Persian].
- Lal, B. S. (2015). Child Marriage in India: factors and problems. *International Journal of Science and Research*, 4(4), 2993-2998
- Lotfi, R. (2009). health consequences of early marriage in women, *Women and Health journal*, 2, 68-79 [in Persian].
- Mehta, R. (2017). She Came to Stay: Bangladeshi Women in India Negotiate Cross Border Child Marriages. Available at SSRN 2946108
- Motiee, N. (1997). Feminism in Iran in search of a native approach. *women journal*, 33, 1-12 [in Persian].
- Müller, K. (2016). Early Marriages and the Perpetuation of Gender Inequality.
- Naveed, S., & Butt, K. M. (2015). Causes and consequences of child marriages in South Asia: Pakistan's perspective. *South Asian Studies*, 30(2), 161.
- Özcebe, H., & Biçer, B. K. (2013). An important female child and woman problem: Child marriages. *Turkish Archives of Pediatrics*, 48(2), 86-93.
- Portaleb, N., & Mousavian Analjaq, S. b. (1400). Child marriage: a phenomenological approach, *Child Rights journal*, 3(10), 1-13 [in Persian].
- Ritzer, J. (1995). *Contemporary sociological theory*. Translated by Mohsen Solasi, Tehran: *elmi* [in Persian].
- Safavi, H., & Minaeei, M. (2014). The lived experience of adolescent girls in the role of wife (study of early marriage of Aran Bidgol girls) .*Women's Journal*, 6(1), 87-106 [in Persian].
- Sanford, K. (2005). Attributions and anger in early marriage: wives are event-dependent and husbands are schematic. *Journal of Family Psychology*, 19(2), 180.

- Santhya, K. G. (2011). Early marriage and sexual and reproductive health vulnerabilities of young women: a synthesis of recent evidence from developing countries. *Current opinion in obstetrics and gynecology*, 23(5), 334-339.
- Sarukhani, B. (1370), encyclopedia of social sciences. Tehran: *Keihan Publications* [in Persian].
- Strauss, A., & Corbin, J. (2015). *Order the book Fundamentals of qualitative research: techniques and stages of generating grounded theory*, Ebrahim Aafshar, Tehran: *ney Publication* [in Persian].
- Svanemyr, J., Chandra-Mouli, V., Christiansen, C. S., & Mbizvo, M. (2012). Preventing child marriages: first international day of the girl child “my life, my right, end child marriage”. *Reproductive health*, 9(1), 31.
- UNFPA. (2006). Ending child marriage: A Guide for Global Action, International Planned Parenthood federation and the forum on Marriage and the Rights of Women and Girl, London.
- Unicef global databases (2020). Child marriage is a violation of human rights, but is all too common, Retrieved from: <https://data.unicef.org/topic/child-protection/child-marriage/>.

